

سیستم آموزش ابتدایی در امپراطوری عثمانی

خلاصه

سیستم آموزشی هر کشور انعکاس دهنده فلسفه، رویه و شیوه زندگی آن کشور است. اولین مقطع آموزش ابتدایی و تعلیمات ارائه شده در امپراطوری عثمانی که به مدارس سیبیه معروف بودند. سیستم آموزشی امپراطوری عثمانی بر روی مدارس سیبیه بنا نهاده شده بود. مدارس سیبیه اولین و آخرین مرجع آموزشی برای شهروندان عثمانی بودند. بنابراین، تنها مدرسه که وظیفه شکل دادن ذهنیت و ابعاد معنوی شهروندان این امپراطوری را داشت مدارس سیبیه بودند. این مدارس با فلسفه، رویه، اهداف، محتوا، شیوه، خدمه آموزشی، مدیریت، ارزیابی و مسائل بکر قابل آموزش یکی از نمونه های بی بدیل سیستم های آموزشی به شمار میروند. خواندن قرآن در این مدارس اجباری بود. مسائل دینی و اصول اولیه علم ریاضی هم از مهمترین تعالیم این مدارس به شمار میرفتند.

کلمات کلیدی: امپراطوری عثمانی، سیستم آموزشی، مدارس سیبیه

1. معرفی

با استناد به سخنان لرد پال ریکات؛ «آموزش و سخت گیری ترک ها یکی از نکات قوت سیاست های آنهاست و از مهمترین پایه های پایداری امپراطوری شان به شمار میرود. در این سیستم ثروت و جایگاه اجتماعی خانواده و رشوه دادن هیچ معنایی ندارد؛ اما استعداد، توانایی، هوشیاری و انضباط از جایگاه رفیعی برخوردار هستند. شخص سلطان این صفات را از جمله والاترین صفات یک مرد میدانند». مستقیم ترین مسیر برای آشنایی و معرفی یک تمدن، آشنایی

و پی بردن به سیستم آموزشی آن تمدن است. چرا که سیستم آموزشی سرخ های مهمی از فلسفه، اهداف، رویه ها و طرز فکر مردم و وضع اجتماعی که آن کشور در تلاش برای رسیدن به آن است را نشان میدهد. در طرف دیگر، مدرسه نیز یکی از مهمترین جنبه های یک سیستم آموزشی است.

این مقاله که بر اساس تحلیل و آنالیز دقیق اسناد تاریخی است تلاش میکند تاثیرات سیستم آموزش ابتدایی امپراطوری عثمانی را آشکار کند. امپراطوری عثمانی که بیش از 600 سال پا بر جا بود، متشکل از گروه های مختلف با طرز فکر و باورهای متفاوت بود و تمامی اقلیت های مذهبی این امپراطوری در زندگی اجتماعی و آموزشی خود دارای آزادی عمل بودند. تاریخچه عثمانی ها طیف گسترده ای از تغییر و اصلاحات را به خود دیده است، مخصوصا با شروع قرن 18 و پیش از فروپاشی این امپراطوری. همانطور که تاسکین (2008) نیز عقیده دارد سیستم آموزشی عثمانی ها گونه پیشرفته و ارتقا یافته سلجوقی ها است. در امپراطوری عثمانی که «معجزه ای بزرگ در تاریخ جهان» نیز نامیده میشود، پایه تمای سطوح آموزشی، مدارس ابتدایی یا همان مدارس سیبیلان هستند. کسانی که به این مدارس میروند، پایه های شخصیتی خود را تشکیل میدهند و این همان محلی است که اکثر شهروندان امپراطوری عثمانی از آن کار خود را شروع میکنند. مدارس سیبیلان تاثیراتی داشته اند که بررسی و کاوش در آنها برای ما بسیار مهم است، که از این جنبه نوعی مرکز آموزشی عجیب و مرموز نیز به نظر میرسد.

تا قرن 19، مراکز آموزشی عثمانی از مدرسه ها تشکیل میشد که مرکزی برای آموزش عالی بودند، مکاتب سیبیلان مراکز آموزش پایه بودند و مکاتب اندرون نیز از سوی سیستم قضایی اداره میشد و برای تربیت کارکنان و خدمه دولتی به کار میرفت. علاوه بر این مجامع آهی، تکس و مساجد هم از جمله مراکز آموزشی متداول بودند.

سیستم آموزش عثمانی

1. آموزش رسمی

الف) مدارس ابتدایی

ب) مدرسه

ج) مدارس اندرون

د) مراکز آموزش نظامی

2. آموزش غیر رسمی

الف) مساجد و دعاکده ها

ب) درویش خانه ها

ج) مجامع آهی

د) کاخ و کتابخانه ها

ه) کافه و مطالعه خانه ها

بین مجامع فوق، مدارس اندرون و نظامی از سوی دولت اداره میشدند اما سایر مراجع آموزشی از طریق کمک های مردمی و بنیادهای خیریه گردانده میشدند.

2. پیشرفت تاریخی مدارس ابتدایی

امپراطوری عثمانی مدارس ابتدایی (مکاتب سیبیان) را از سلجوق ها و سایر دولت های ترک به ارث برده بودند. میتوان به سادگی مشاهده کرد که مراکز آموزشی اغلب در کنار مراکز عبادتی و معابد قرار میگرفتند و در دوران قدیم بیشتر برای ترویج آموزه های دینی به کار میرفتند، بعدها برای آموزش سایر علوم نیز به کار رفتند. در واقع منشا مدارس ابتدایی را میتوان در فعالیت های آموزشی با معلمان مسیحی یافت، مدارس که ادبیات آموزش داده شده در آن پیش از ظهور اسلام و غیر عربی بوده اند. «هیره» اولین کسی بود که نوشتن را به افراد دور و بر خود آموزش داد. معلم مستقل و آموزگار سواد نوشتن را «وادی القورا» مینامیدند. اما فعالیت های آموزشی چنان کند بود که در دوران اسلامی نرخ سواد در مردمان قریش تنها 17 بود. هرچند، ترویج مدارس سرعت یافت و آموزش و حفظ احادیث و آیات قرآنی به فعالیتی متداول بدل گشت که باعث ساخته شدن قراعت خانه ها در کنار هر مسجد میشد. در ابتدا مدارس مراکز سواد آموزی بودند، پس از آن تبدیل به مراکز ترویج آموزه های قرآنی و اسلامی شدند. فضایل اخلاقی و خواندن و نوشتن قرآن نیز از سایر جنبه های آموزشی عمده مدارس شدند.

این مدارس در دوره سلجوقی بسیار متداول بودند و در سایر کشورها معمولاً «مکتب، کتاب، دارالتعلیم، دارالعلم، مولی‌مانه، مکتب‌خانه، مکتب سیبیان، محل آموزش و مکتب ابتدایی» نیز خطاب می‌شدند. در هر شهر، منطقه و روستای امپراطوری عثمانی مدارس در کنار مساجد ساخته می‌شدند و معماری ساده‌ای داشتند. حتی در بعضی کشورهای اسلامی واقع در خاورمیانه مدارس برای آموزش قراعت قرآن به کودکان و بزرگسالان تقسیم بندی می‌شدند. اما در حالیکه کودکان خردسال و واقع در سن بازی باید به مدارس هدایت می‌شدند و نه به مساجد.

3. برنامه درسی مدارس ابتدایی

3.1. فلسفه مدارس ابتدایی

عنصر پایه در اجتماع امپراطوری عثمانی را ترک‌ها تشکیل می‌دهند. در داخل مرزهای امپراطوری عثمانی، ترک‌ها، یونانی‌ها، بلغاری‌ها، پوماک‌ها، صربی‌ها، اهالی کرواسی، مونتنگری‌ها، بوسنی‌ها، آلبانیایی‌ها، لهستانی‌ها، هلندی‌ها، رومی‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها، مسیحی‌سربانی، کلدانیان، عرب‌ها، رومانیایی‌ها، ایرانی‌ها، کردها، قبطی، اتیوپیایی‌ها و بربرها نیز وجود داشتند. پس هر کودک که وارد سیستم آموزشی مکاتب سیبیان می‌شد علاوه بر آموزه‌های اخلاقی دسته اجتماعی خود، فرهنگ و شیوه زندگی در اجتماع و ایده احترام به عقاید دیگران را آموزش می‌دید، همان طرز فکری که امپراطوری بر اساس آن بنا نهاده شده بود.

این فلسفه مطابق با فلسفه به اشتراک گذاشتن زندگی با دیگران بود، کمک کردن به دیگران، عشق ورزیدن و احترام به دیگران به عنوان یک مسلمان بود.

یکی از این اصول پایه برابری مرد و زن در اسلام برای یاد گرفتن علوم بود. شخص با سواد درک بالاتری داشت و رفتار منطقی‌تری از خود نشان می‌داد. چنین رفتاری در مدارس ابتدایی آموزش داده می‌شد.

3.2. اهداف مدارس ابتدایی

هدف و عملکرد مدارس ابتدایی مبتنی بر دین بودند. نکته مهم اینجاست که هدف تأسیس چنین مدرسی و تأمین منابع مالی آنها با هدف دانش آموزانی که به این مدارس می‌رفتند کاملاً هم راستا و یکسان بود. هدف همه آنها ترویج علم و دانش در راه خدا بود. این هدف را میتوان با تعریف خدا در قرآن از معیار فرد برای راه یافتن به بهشت بهتر درک کرد.

اهداف عملکردی مدارس ابتدایی در امپراطوری عثمانی را میتوان در موارد زیر هم مشاهده کرد: 1. آموزش به کودکان ترک و مسلمان جهت خواندن روان قرآن و آموختن سواد عربی.

2. آموزش اصول پایه دین اسلام،

3. آموزش عبادت در دین اسلام،

4. آموزش سنت و اصول دین اسلام،

5. آموزش اصول اخلاقی اصلی دین اسلام،

6. شناسایی توانایی های هر کودک،

7. آماده سازی کودکان برای ورود به مدرسه.

3.3. رویه و سیاست کلی مدارس ابتدایی

رویه های یک کانون آموزشی به معنی تمامی مسائل مربوط به کشور، دولت و مدیریت مردم است. یک مدرسه ابتدایی در واقع اتاقی در مجاورت مسجد و یا عبادتگاه بود. این شیوه ساده و فراگیر در سراسر امپراطوری عثمانی از الجزیره تا کریمه و از یمن تا بوسنی به چشم میخورد.

یکی از ویژگی های جالبش این بود که حتی کودکان تا 3 سال نیز میتوانند به آن بیایند. اما در حالت کلی کودک آموزش های خود را از سن 6 سالگی شروع میکرد. همانطور که دکتر جری مورفی، متخصص رویه های آموزشی و عضو هیئت علمی دانشگاه هاروارد عقیده دارد؛ «آموزش سنگ بنای ساخت آینده است. آموزش در دوران ابتدایی آغاز میشود.

آموزش رسمی باید در دوره های اولیه زندگی فرد جای گیرد». رویه مکاتب سببیان چندین قرن پیش از همین روند پیروی میکرد.

این واقعیت که کودک عثمانی دست به دست برادران و خواهران خود به مدرسه می آمد و روابط اجتماعی که در همین واسطه با سایر کودکان آن منطقه شکل میگرفت یکی از مهمترین جنبه های این مکاتب بوده است. موضوع اصلی در مدارس ابتدایی «هم یادگیری» بود. هر چند، دختران و پسران در بعضی مدارس از یکدیگر تفکیک میشدند.

شروع مدرسه رفتن یک کودک اتفاقی تاریخی به شمار میرفت و در طی مراسمی با عنوان «آئین بدرقه» جشن گرفته میشد. این مراسم بسیار شبیه به مراسم عروسی و سن تکلیف بود و مخصوصا در خانواده های ثروتمند با شکوه و جلال بیشتری برگزار میشد و تجملات بیشتری نیز به آن اضافه میشد. در چنین مراسم تجملاتی کودکان برای اولین بار لباس های زیبا و سوار بر اسب به مدرسه رسانده میشدند.

این مراسم معمولا در مدرسه و یا در خانه برگزار میشد و معمولا در پی آن ضیافتی نیز برپا میشد. این چنین مراسمی در هیچ تمدن دیگری به چشم نمیخورد، عملکرد «آئین بدرقه» از قرار زیر بود: الف) برای تشویق والدین برای فرستادن کودکانشان به مدارس،

ب) برای تشویق همسایگان جهت فرستادن فرزندان خود به مدرسه،

ج) تشویق کودک برای شروع مدرسه،

د) تشویق برادران و خواهران کم سن و سال کودک برای آماده شدن برای رفتن به مدرسه،

ه) جهت آماده کردن بستری مناسب و شکوهمند

برای فرزندان خانواده های فقیرتر امپراطوری جهت ورود با افتخار به مدرسه. علاوه بر همه اینها سلطان محمد فاتح عمل وقف و تاسیس مدارس را نیز انجام میداد، این عمل چندین شرط ویژه داشت، «تنها یتیمان و فرزندان نیازمندان میتوانستند به این مدارس بروند». این عملی پسندیده و بسیار جالب بود که رشد و تعالی تمامی کودکان ساکن امپراطوری را در مرکز توجه و تصمیم گیری های دولت قرار میداد.

فراتر از همه اینها، در مراودات آن روزها، کودکان به صورت مجانی در مدارس تعلیم میدیدند؛ در کنار آن، غذا و لباس در مدارس توزیع میشد و معمولاً از طریق کودکان به خانواده های فقیر نیز کمک رسانی میشد. مدارس ابتدایی بیشتر در شهرهای بزرگ تاسیس میشدند، سلطان ها و پاشا ها که ثروت زیادی داشتند مدارس را وقف عام میکردند. همچنین خانواده های ثروتمند هم از طرق مختلف امکاناتی در اختیار دانش آموزان قرار میدادند:

الف) تعلیم در مدارس ابتدایی مجانی بود،

ب) برای هر دانش آموزان پول تو جیبی داده میشد،

ج) لباس توزیع میشد،

د) غذا توزیع میشد،

ه) هر سال یک سفر آموزشی ترتیب داده میشد،

علاوه بر اینها سنت خوب دیگر برای کودکان خانواده های فقیر، پرداخت هزینه های جانبی تحصیلی اش توسط خانواده همکلاسی ثروتمندترش بود. این خود یکی از نمونه های بارز یاری رسانی به سایرین از طریق مدارس ابتدایی به شمار میرفت.

یکی دیگر از عناصر مهم آموزش داده شده در مدارس ابتدایی آموزش الگوهای رفتاری پسندیده بر اساس آموزه های دینی و اجتماعی و آموزش نظم و انضباط به کودکان بود. مدرسه شش روز هفته باز بود و روزهای جمعه همیشه بسته بود. کلاس ها تا ظهر و عصر ادامه داشتند.

3.4. محتوای آموزش داده شده در مدارس ابتدایی

در مجموع، مدارس ابتدایی بر روی سه هدف اساسی تاسیس شده بودند، خواندن قرآن، آموزش اصول ادای نماز و خواندن دعا و فرائض مخصوص نماز و کمی هم سواد نوشتن. نوشتن صرفاً مختص به خطاطی میشد و جنبه وسیعی نداشت. برخی معتقد هستند زبان آموزش داده شده در این مدارس ترکی بوده است، در حالیکه عده دیگر عقیده دارند زبان عربی آموزش داده میشد. اما شواهدی وجود دارد که زبان فارسی که یکی از سه زبان فراگیر دنیای آن زمان بوده

است هم در مدارس آموزش داده می‌شده است. اینکار برای حفظ انسجام اجتماعی اقلیت های متعدد امپراطوری انجام می‌شد.

اما با این وجود برخی مدارس به صورت تخصصی به آموزش زبان فارسی یا عربی مشغول بودند. اینگونه مدارس که استاد (هوجا) داشتند بسیار پر طرفدار و محبوب نیز بودند. سطح آموزشی کلاس ها نیز طبق سابقه و دانش این استاد تعیین می‌شد. جای هنر در مدارس ابتدایی کاملاً خالی نبود. برای مثال وسایل لازم جهت خطاطی و خوشنویسی ارائه می‌شد و آموزگار مخصوص خوشنویسی هم حضور داشت.

در بسیاری از مدارس ابتدایی آموزش موسیقی به دانش آموزان با استعداد ارائه می‌شد. همای-زاده گسمال دده، یکی از معروفترین آهنگسازان آن دوران که به «دده افندی» هم معروف بود از یکی از همین مدارس ابتدایی موسیقی را فرا گرفته بود، بعدها با کشف استعدادش توانست مهارت و تجربه کافی برای جلوه دادن به صدای زیبایش را فراهم کند. به همین طریق، مثال های دیگری هم از آهنگسازان شناخته شده دیگر وجود دارد. حاجی عارف بئی، یکی دیگر از آهنگسازان معروف هم در جریان همین فعالیت های موسیقایی مدارس ابتدایی کشف شده بود. به لطف این اطلاعات ارزشمند میتوان با قطعیت گفت که هدف اصلی مدارس ابتدایی کشف و شکوفا کردن استعدادهای هر فرد بوده است. در مدارس ابتدایی، همسران دوم مردان نیز اجازه شرکت داشتند، اما سایر خانم ها باید به مکاتب دیگر چون دارالقرآن و یا دارالمثنوی می‌رفتند.

به طور خلاصه مباحثی که در مدارس ابتدایی آموزش داده می‌شدند از قرار زیر هستند؛

1. تجوید و خوان قرآن

2. خوشنویسی

3. نماز

4. زبان عربی

5. زبان فارسی

6. حساب ساده

3.5. شیوه آموزشی

در مدارس ابتدایی، دختران و پسران معمولاً در کنار هم در کلاس حاضر میشدند، آنها بر سر میزهای جداگانه در کلاس مینشستند. علاوه بر این مدارس هم بود که تنها پسران و یا دختران میتوانند در آن ادامه تحصیل بدهند. تقریباً تمامی مدارس شیوه آموزش یکسانی داشتند و بیشتر بر پایه حفظیات بود. شعر، حدیث، آیه، ادعیه، اصول دین اسلام، قوانین و غیره به خاطر افزایش آگاهی عمومی و درک معانی آنها آموزش داده میشد. حفظ کردن این موارد با تکرار دسته جمعی و آهنگین کلمات و یا خواندن دسته جمعی از روی کاغذ انجام میشد. دانش آموزان در مقاطع مختلف و با سرعت های مختلف مطابق با توانایی های فردی خود در کلاس ها شرکت میکردند. دو دانش آموز که با هم مدرسه را شروع کرده بودند امکان داشت در زمان های مختلف از هم درس خود را تمام کنند.

استاد زمان های جداگانه ای برای هر دانش آموز اختصاص میداد و به قرائت و نوشتن هر یک از آنها نظارت میکرد و به ایشان اجازه میداد به سراغ صفحه و یا متن بعدی بروند. گوش دادن به تک تک دانش آموزان در مدارس پر جمعیت میتواند زمان زیادی بگیرد. در چنین مواردی، دانش آموزانی که درسشان خوب بود به استاد کمک میکردند و به حفظ نظم و انضباط در مدرسه یاری میرساندند. در مجموع اکثر مضامین آموزش داده شده در مدارس ابتدایی بر پایه حفظیات و انباشته کردن ذهن دانش آموز بودند. کودکان با بستن چشمان خود به صورت خودکار آیه و سوره مورد نظر را از حفظ میخواندند ولی در اصل معنی آنها را کاملاً نمیدانستند. خواندن بدون اشکال موضوع آموزش بود و معیار ارزیابی بود.

3.6. خدمه آموزشی

آموزگاران با القاب مختلف خطاب میشدند، استاد، معلم یا معلم زن در مدارس ابتدایی حضور داشتند. در مدارس شلوغ تر میتوانست بیش از یک آموزگار حضور داشته باشد. کالیف ها (دانش آموزان برجسته و نخبه) که به استاد در اداره

کلاس و گوش دادن به دانش آموزان کمک میکردند نقش و وظیفه تعریف شده ای نداشتند. در برخی از مدارس استادان خطاط هم به چشم میخوردند.

در دوران جمهوری خواهی سعی در ایجاد پروپاگاندا میشد، ولی استادان در مقابل این مساله بی تفاوت نبودند. چنین استادان با هوش و هوشیاری کم نبودند. آنها دست کم از یک مدرسه عالی فارق التحصیل شده بودند. در واقع در ایوپ یا ایاصوفیه و در دوران سلطان محمد فاتح برای اشخاصی که قصد داشتند بعدها در مدارس تدریس کنند دوره های اضافی تر برگزار میشد.

بر این اساس توانایی های استادان و معلمان از قرار زیر بود؛

الف) زبان عربی

ب) صرف و نحو

د) ادبیات

ج) منطق

ه) ادب و مباحثه و اصول تدریس

و) موضوعات مناقشه برانگیز

ز) حساب

بسیاری از استادان در شغل های دیگری چون امام و موذن نیز مشغول به کار میشدند. شاید به همین دلیل بود که استادان از احترام بالایی برخوردار بودند و درجه اجتماعی بالا و درآمد خوبی نیز داشتند. مخصوصا درآمد استادان مدارس وقف شده از سوی سلطان ها بسیار بالا بود. اما در سایر مدارس کار بدون چشم داشت انجام میشد و به خاطر وقف عام بودن مدرسه درآمد کمی عاید استادان میشد. خانواده های دانش آموزان ثروتمند بعضا هدیه و تقدیماتی به استادان انجام میدادند. برخی دیگر از خانواده ها ملزومات مدارس را تامین میکردند، از جمله هیزم برای گرمایش، نوشت افزار، تغذیه و مایحتاج زمستانی برای استاد.

3.7. مدیریت و نظارت

دین اسلام زن و مرد را مجبور به تحصیل دانش میکرد. مادر و پدر با سواد آگاه درک بهتری از دنیای اطرافشان داشتند و احساس مسئولیت بیشتری در کمک به فرزندشان میکردند. به خاطر این مسئولیت که در پی آگاهی از احادیث و آیه ها نصیب ایشان میشد، بسیاری از مردم دست به ساخت مدارس میزدند و همیشه اینکار در مجاورت مساجد انجام میشد تا بر اساس معیارهای الهی و حصول اطمینان از تامین مالی مدرسه باشد. ساخت و اداره مدارس بدون کوچکترین کمک دولتی انجام میشد و صرفا با کمک های مردمی و خیریه خانواده های ثروتمند حاصل میگشت.

این کمک مالی میتوانست شامل دستمزد استاد یا مخارج اداره مدرسه باشد، غذا و لباس از نمونه این مخارج هستند. در ترابزون مدرسه وقفی توسط عایشه خاتون و یاوز سلطان، مادر سلیم تاسیس شده بود که در آن هر روز دو وعده غذای کامل به دانش آموزان داده میشد. در واقع مدارس همگی از یک نوع نبودند، بلکه بنا بر نیاز منطقه محل تاسیس و حامیان مالی عملکرد متفاوت از هم داشتند. حتی در برخی مدارس موسسان محتوای درسی آموزش داده شده را نیز تعیین میکردند.

اطلاعات ارائه شده تاکنون مربوط به مدارس تاسیس شده توسط ثروتمندان در قسمت های مرکزی مناطق شهری بود. در مدرسی که موسسانش ثروتمند نبودند، استاد برای امرار معاش نیازمند کمک های خانواده های ثروتمند دانش آموزان خود بود. در این شرایط نه تنها محتوای آموزشی بعضا تفاوت های زیادی با هم داشتند، بلکه سطح درآمدی استادان نیز بسیار متغیر بود.

بسیاری از مسائل آموزشی در مدارس ابتدایی تحت نظر استادان بود. اگر هیئت وقف کننده دستوری صادر نمیکرد، این نظر استاد بود که محتوای درسی را تعیین میکرد، اینکه چطور محتوا آموزش داده شود، به چه مقدار آموزش داده شود و چه شیوه و ارزیابی بر آن صورت گیرد. هرچند منابع دیگر اذعان میکنند مفتی ها و شیخ الاسلام ها وظیفه مدیریت و نظارت بر مدارس ابتدایی را بر عهده داشتند. این نظارت به صورت تک به تک نبود و صرفا محدود به یادآوری و بیان خط مشی به استادان میشد.

3.8. ارزیابی موفقیت و انضباط

در مدارس سببیان، هر کلاس، موضوع و تکلیف بر پایه گذراندن صفحه مورد قرائت و موضوع قبلی ارائه میشد. این مساله با تحویل تکلیف و قرائت قرآن در مقابل استاد یا کالیف انجام میشد و در صورت حفظ کامل متن تکلیف به سراغ بخش بعدی میرفتند. با این روش هیچ جزئی از اصول دین یا متن قرآن جا نمی افتاد. هیچ سیستم کلاس استناداری در مدارس ابتدایی وجود نداشت. هر دانش آموز مدرسه را در روز خاصی شروع میکرد و با سرعت مختص به خود پیش میرفت، پس در زمان های متفاوت تر فارق التحصیل میشدند. این پایه و مبنای برنامه آموزش فردی بود.

منابع لازم برای برگزاری امتحانات جامع در پایان سال و دوره وجود نداشت. امکان نداشت کودکی در گذراندن مباحث تحصیلی ناموفق باشد. شاید میتوان گفت سرعتش بسیار کمتر از سایرین بود.

اما صحبت ها از تنبیهات مختلف هم وجود دارد. کتک زدن و تنبیه بدنی از جمله این مجازات ها بود. این مجازات برای دانش آموزانی ترتیب داده میشد که از قوانین مدرسه پیروی نمیکردند و تلاش خود را برای فراگیری مباحث انجام نمیدادند. علاوه بر این داستان های دیگری هم وجود دارد که بیشتر به خاطر انزجار از امپراطوری عثمانی ساخته شده اند. چنین شایعاتی در طول تاریخ برای اکثر نهادهای آموزشی وجود داشته است. در کنار این، باور عمومی وجود دارد که در آن طیف گسترده ای از اختیارات به استاد داده میشد، چنان که در ابتدای ورود دانش آموز به مدرسه والدینش به استاد میگفتند: «او در اختیار توست».

4. نتیجه گیری

همانطور که گوکجه (2009) نیز عقیده دارد سیستم سیاسی تلاش در کنترل نهادهای آموزشی داشته اند و خواسته اند سهم خود را در اعمال نفوذ سیاسی، ایدئولوژیکی، فرهنگی و اقتصادی در جوامع داشته باشند. عثمانی ها نیز از این قاعده مستثنی نبودند. اولین نمونه های مدارس عثمانی در حدود 620 سال پیش به وجود آمده بود و در مساحتی در حدود 14 میلیون کیلومتر مربع گسترش یافته بود، مدارس سببیان در سه قاره مختلف وجود داشتند. میشود گفت در نهایت هیچ تاثیر منفی یا مثبتی بر تداوم دولت نداشتند. اما عملکردهایش را میتوان در حوزه های زیر بررسی کرد:

الف) کودکان از سن 3 سالگی وارد مدرسه میشدند

ب) سیستم آموزشی مبتنی بر هم-یادگیری بود

د) غذا و لباس و کمک های مالی به خانواده های فقیر و کودکان به انزوا کشیده شده در اجتماع داده میشد

ج) در بین کودکان حاضر در گروه های دینی و مذهبی مختلف، از سن 3 سالگی نوعی ارتباط و همبستگی ایجاد میشد، پیش از آنکه ارزشهای فکری ایشان جا افتاده شود و سنگ بنای روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه و قابلیت احترام به عقاید یکدیگر در سنین پایین تشکیل میافت.

د) آئین بدرقه، رویداد شروع تحصیل بود و در بین تمدن های دیگر نظیر ندارد.

ه) با تشخیص استعداد و دسته فکری دانش آموزان مختلف به دسته آموزشی موسیقی، خوشنویسی و یا حفظ قرآن هدایت میشدند، حتی به دسته علوم مرتبط و یا شغل های مطابق با استعدادشان راهنمایی میشدند. امکان هدایت به مکاتب آموزشی دیگر از جمله دارالمثنوی ها نیز وجود داشت.

و) در مدارس ابتدایی کودک میتواند نقش خود در دوران بزرگسالی را تعیین کند.

ز) بر اساس این سیستم آموزشی هر کودک متعلق به هر دسته مذهبی و فکری و کلاس اجتماعی در داخل مرزهای وسیع امپراطوری در نظر گرفته میشد.

حتی در دنیای امروزی هم ویژگی ها و عملکردهای مدارس ابتدایی آن زمان بسیار دور از دسترس مینمایند، حتی بسیاری از کشورها هنوز هم در رسیدن به این اصول ناتوان مانده اند.

References

- Akgündüz, A. and Öztürk, S. (1999). *Bilinmeyen Osmanlı (Unknown Ottoman)*. Istanbul: OSAV Publications.
- Akyüz, Y. (2008). *Türk eğitim tarihi (Turkish Educational System)*, Pegem Yayınları, Ank. 2008.
- Atay, H. (1983) *Osmanlılarda Yüksek Din Eğitimi*, Dergah Yayınları, İst. 1983.
- Ateş, T. (1994). *Osmanlı toplumunun siyasal yapısı (Political structure of the Ottoman Society)*. Ankara: Ümit Publishing.
- Aytaç, K. (1981). *Osmanlı İmparatorluğu Okul Kuruluş Sistemi (Ottoman school structure)*. Milli Kültür-National Culture, 3(1), 9-13.
- Baltacı, C. (1976). *Osmanlı Medreseleri (Ottoman Madrasahs)*. Istanbul: İrfan Publishing.
- Başgöz, İ. (1995). *Türkiye'nin Eğitim Çıkmazı ve Atatürk (Turkey's education dilemma and Atatürk)*. Ankara: Ministry of Culture.
- Bilgiç, V. (2003). *Minorities in the Ottoman State: Turkish-Armenian Relations Past and Present* (Ed. İdris Bal and Mustafa Çufalı), Ankara: Nobel Publications.
- Brunot, L. (1988). *Mektep (School)*. Istanbul: MEB.

- Dağ, M. and Öymen, H. R. (1974) İslam Eğitim Tarihi (Islamic education history). Ankara: MEB Pub.
- Demirtaş, Z. (2007). Sıbyan schools and organization of primary education during the Ottoman Period. *Fırat University Journal of Social Science*, 17(1), 173-183.
- El-Belazurî, Futuhu'l-Buldan, Kahire-1350 H.
- El-Ehvani, A.F. et-Terbiye fi-İslam ev et-Ta'lim fi Re'y el Kabisî, Kahire-1955.
- Ergin, O. (1977). Türkiye maarif tarihi (Turkish education history). Istanbul: Eser Printing.
- Grenard, F. (1970) Asyanın yükselişi ve düşüşü (Rise and Fall of Asia). Istanbul: M.E.B.
- Gökçe, F. (2009). The state and education during the transition period Ankara: Pegem Academy Publications.
- Gökçe, F. and Oğuz, N. (2010). Minority and foreign schools on the Ottoman education system. *E-International Journal of Educational Research*. 1(1), 42-57.
- Günyol, V. (1972). Mektep (School). İstanbul: MEB.
- İhsanoğlu, E. (2004) Ottoman educational institutions during the reform period. Manchester, the U.K.: Foundation for Science Technology and Civilisation.
- Kabaklı, A. (1982). Sıbyan mektebi (Sıbyan school). *Tercüman Newspaper*, 25 June 1982.
- Kansu, N. A. (1930). Türk maarifi hakkında bir deneme. İstanbul.
- Kazıcı, Z. (2004). Osmanlıda eğitim öğretim (Education and Teaching in the Ottoman), Bilge Yayınları, İst. 2004.
- Kışlalı, A. T. (1984). Siyaset bilimi (Science of Politics). Ankara: İmge Kitabevi.
- Köprülü, M. F. (1981). Osmanlı İmparatorluğunun kuruluşu (Establishment of the Ottoman Empire). Istanbul: Ötüken Yayınları.
- Memişoğlu, H. (2002). Bulgaristan'da Türk Eğitimi (Turkish education in Bulgaria) Ankara: Ministry of Culture Publication.
- Murphy, J. (2000). Kim, neyi, nasıl öğretecek? [online] Available <http://www.milliyet.com.tr/ozel/21yy/000220/index.html> (10.01.2013)
- Oruç, M. (1999). 69. sıradan, 86. sıraya! (from the 69th to 86th place!) [online] Available <http://www.turkiyegazetesi.com/makaledetay.aspx?ID=14199> (20.01.2013)
- Oruç, Ş. and Kırpık, G. (2006), Osmanlı'da modern öğretim, strateji yöntem ve teknikleri Modern educational strategies and methods in the Ottomans). Ankara: Gazi Pub.
- Özkan, S. (2008) Türk Eğitim Tarihi (Turkish Education History). Ankara: Nobel.
- Öztuna, Y. (1978). Büyük Türkiye tarihi (Great Turkish History). Vol.10. Istanbul: Ötüken Pub.
- Rasim, A. (1927). Falaka. Istanbul: Hamit Printing..
- Sakaoğlu, Nejd. (2003). Osmanlı'dan günümüze eğitim tarihi (History of Education, from Ottoman to modern Turkey), İstanbul: Bilgi University Pub.
- Shalaby, Ahmad. History of müslim education, Dar-al-Kashshaf, Beirut-lebanon, 1954.
- Suavi, Ali, Maarif-i Umumiye, Ulûm Newspaper, Paris-1286, S.7, pp.390-397.
- Türer, A. (2011). Türk eğitim tarihi (Turkish education history). Ankara: Detay Pub.
- Uçunçarşılı İ.H. (1984). Osmanlı Devleti ilmiye teşkilatı (Science in the Ottoman state), Ankara: T.T.K. Pub.
- Unat, F. R. (1964). Türkiye eğitim sisteminin gelişmesine tarihi bir bakış (Historical view of Turkish educationalsystem). Ankara: M.E.B. Printing.